پایان جیب بری های سریالی عروس و خواهر شوهرها

22 آذر 1401

دو خواهر با آموزش جیب بری به عروس خانواده راهی مراسم ختم و عزاداری ثروتمندان می‌شدند تا نقشه سرقت‌های سریالی را اجرا کنند.

به گزارش «ایران»، چند روز قبل زن جوانی به پلیس مراجعه کرد و از سرقت کیف دستی و تلفن همراهش خبر داد و گفت: یکی از همسایه‌هایمان که فردی معتمد و از بازاری‌های اصیل بود فوت کرد و به همراه همسرم در مراسم تشییع جنازه او شرکت کردم.

بعد از پایان مراسم متوجه شدم که تلفن همراه و کیف پولم دستی‌ام که داخل آن کارت‌های عابر بانکم و مقداری دلار بود از داخل کیفم به سرقت رفته بود.

به‌دنبال شکایت زن جوان تحقیقات آغاز شد و در ادامه کارآگاهان با شکایت‌های مشابه دیگری مواجه شدند. تمامی مالباختگان زنانی بودند که در مراسم تشییع جنازه یا ختم مردگان شرکت کرده بودند و سارق یا سارقان با شگرد جیب‌بری اقدام به سرقت کیف و پول‌هایشان کرده و کارت‌های بانکی و گوشی‌های تلفن همراهشان را به سرقت می‌بردند. تمامی سرقت‌ها در مناطق اعیان‌نشین شهر رخ داده بود.

در حالی که تحقیقات برای شناسایی جیب‌برها ادامه داشت، زن جوانی با پلیس تماس گرفت و از گرفتن مچ زنی خبر داد که قصد سرقت از کیف پولش در مراسم تشییع جنازه داشته است. به‌دنبال این تماس مأموران راهی محل شده و زن جوان به نام فتانه در بازجویی‌ها به جیب‌بری‌های سریالی با همدستی خواهر و عروسشان اعتراف کرد. این در حالی بود که در بررسی سوابق فتانه، مأموران دریافتند که به اتهام جیب بری 6 ماه قبل از زندان آزاد شده است.

با اعتراف زن جوان، خواهر و همسر برادرش بازداشت شده و به جیب‌بری از شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع جنازه اعتراف کردند. با اعتراف سه زن جوان، تحقیقات برای شناسایی مالباختگان احتمالی آنها به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت ادامه دارد.

گفت‌وگو با عروس خانواده

شیما، زن جوانی است که به همراه دو خواهرشوهرش بازداشت شده است. او زمانی که ازدواج کرد تصورش را هم نمی‌کرد که شوهر و خانواده شوهرش در کار خلاف باشند.

چه شد که جیب بر شدی؟

من از خانواده‌ای فقیر اما آبرومند هستم. با محسن در فضای مجازی آشنا شدم و بعد از مدتی هم با او ازدواج کردم. اما خیلی زود متوجه شدم که همسرم در کار خلاف است و به خاطر سرقت بازداشت شده بود. از طرفی خواهرشوهرهایم با اینکه وضع مالی خانواده‌شان متوسط بود اما خودشان وضع مالی خیلی خوبی داشتند. پارسال بود که چند ماهی خواهرشوهر بزرگم ناپدید شد و 6 ماه قبل بود که به خانه برگشت. تازه آن موقع بود که متوجه شدم او در مترو و ایستگاه‌های اتوبوس جیب‌بری می‌کرده و به همین خاطر بازداشت شده است.

چرا با آنها همدست شدی؟

چاره‌ای نداشتم؛ یا باید جدا می‌شدم یا به زندگی با آنها ادامه می‌دادم. وقتی وضع مالی خوب خواهر شوهرهایم را دیدم، وسوسه شدم که همراه آنها شوم. خواهر شوهر بزرگترم، آموزش‌ها را می‌داد و من تمرین می‌کردم. آنقدر تمرین کردم تا اینکه یاد گرفتم و همراه آنها برای سرقت‌ها رفتم.

شگردتان برای این سرقت‌ها چه بود؟

من و خواهرشوهرهایم در مراسم تشییع جنازه در محل‌های اعیانی شرکت می‌کردیم و سعی می‌کردیم با گریه و زاری خودمان را جزو بستگان متوفی نشان دهیم. همان‌طور که در حال گریه و زاری بودیم، یکی از ما به سمت شرکت کنندگان مراسم می‌رفتیم و آنها هم که در حال گریه بودند و حال خوبی نداشتند متوجه نمی‌شدند. به آنها نزدیک می‌شدیم و دستمان را در جیب یا کیفشان می‌بردیم و گوشی، کیف پول، مدارک هویتی، دلار و کارت عابر بانک سرقت می‌کردیم.

کارت‌های عابر بانک که به دردتان نمی‌خورد؟

شاید باورتان نشود، داخل خیلی از کیف‌های پول و در کنار کارت‌های عابر بانک؛ رمز کارت‌هایشان بود. بعد ماسک و عینک می‌زدیم، تا چهره‌مان مشخص نباشد و به سراغ صرافی‌ها و طلافروشی‌ها می‌رفتیم و اقدام به خرید می‌کردیم. ما از مدارک شناسایی مالباخته‌ها هم استفاده می‌کردیم. خواهر شوهرم با آنها تماس می‌گرفت و در ازای مبلغی پول، مدارک آنها را برمی گرداند.

چرا مراسم تشییع جنازه را برای جیب بری و سرقت انتخاب می‌کردید؟

برای اینکه کسی حواسش نیست. از طرفی داخل کیف و جیب‌های ثروتمندان هم پول است و هم دلار. بعد هم آنها درگیر گریه و زاری هستند و به همین دلیل بهترین فرصت برای سرقت در مراسم تشییع جنازه است. ولی ما حواسمان بود. مثلاً اگرمن جیب بری می‌کردم، فوراً کیف سرقتی را به یکی از خواهر شوهرهایم می‌رساندم و او هم به خواهر دیگرش که اگر به من شک کنند و مرا بگردند، چیزی گیرشان نیاید. اما از شانس بد، آخرین نفری که سرقت کردیم، زن میانسالی بود که خیلی حواسش بود و به محض اینکه خواهر شوهرم دستش را داخل کیفش کرد، مچ او را گرفت.